

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه مباحث گذشته

در مقتضای اصل اولیه در متعارضین برخلاف مشهور که قائل به تساقط هستند ما به تخییر رسیدیم. در مقتضای قاعده ثانویه یعنی المستفاد من الاخبار و الروایات در باب تعارض چند طایفه روایات وجود داشت که تا اینجا روایات توقف و تخییر را خواندیم و در ادامه گفتیم بین روایات تخییر و توقف تعارض به وجود می‌آید و چند راه برای حل تعارض ذکر کردیم که در نتیجه روایات تخییر را بر روایات توقف ترجیح دادیم؛ لذا به نظر ما قاعده اولیه و ثانویه در باب متعارضین یک چیز را بیان می‌کنند. در ادامه برای مسئله تخییر چند تنبیه ذکر کردیم و بحث اخبار تخییر تمام شد.

طلیعه بحث جدید (اخبار احتیاط)

دسته بعدی روایات روایاتی هستند که امر به احتیاط می‌کنند و می‌گویند اگر دو روایت با هم تعارض کردند خذ بما فيه الحائط بدینک واترک ما خالف الاحتیاط. اخبار احتیاط یک روایت بیشتر نیست که این روایت را ابن ابی جمهور احسائی در عوالی اللئالی از علامه مرفوعاً از زرارہ نقل می‌کند. ما قبلاً این روایت را به عنوان روایت پنجم و تحت عنوان مرفوعه زرارہ در اخبار تخییر ذکر کردیم.^[1]

در این روایت مرجحاتی را ذکر می‌کند و بعد می‌گوید اگر این مرجحات نبود به روایتی که مطابق احتیاط است عمل کن. در ادامه سائل می‌پرسد اگر هر دو مخالف یا موافق با احتیاط بود چه کنیم؟ حضرت می‌فرماید «إذن فتخیر احدهما فتأخذ به و تدع الاخیر». در بعضی از نسخ دارد که «فأرجئه حتی تلقی امامک».

با قطع نظر از مؤلف و کتاب که اگر بگوئیم بحثی در وثاقتشان نیست، این روایت از لحاظ سندی اشکال ارسال و مرفوعه بودن را دارد. مرحوم آقای حائری استاد مرحوم امام از راه عمل اصحاب خواستند این ضعف سند را جبران کنند. اشکال این بود که معلوم نیست که قدما بر طبق این روایت عمل کرده باشند و به آن استناد کرده باشند. حیات ابن ابی جمهور در سنی نهصد است و عمل افرادی که بعد از ابن ابی جمهور آمدند به این روایت نمی‌تواند جبران ضعف سند کند.

اشکال دیگر نسبت به سند روایت این است که صاحب کتاب ادعا می‌کند روایت را از علامه نقل می‌کند ولی برخی تتبع کرده‌اند و می‌گویند چنین روایتی در کتب علامه وجود ندارد.^[2]

صرف نظر از بحث سندی در مباحث گذشته نسبت به تعبیر «اذن فتخیر» نکاتی را ذکر کردیم اما اینجا مسئله احتیاط است. در مورد مسئله احتیاط می‌گوئیم این روایت بالاتر از روایت توقف نیست لذا همان معامله و برخوردی که با روایت توقف کردیم با

این روایت هم می‌کنیم به این بیان که اگر در آنجا گفتیم توقف حسن – جمعی را مرحوم آقای حائری داشت که در میان آن جمع‌های دیگر احسن الوجوه بود که بگوئیم توقف حسن اما شما مخیری – اینجا هم فخذ را به قرینه روایات تخییر حمل بر رجحان می‌کنیم یعنی روایتی که مطابق با احتیاط است را اگر اخذ کنیم رجحان دارد اما حکم اصلی و اولی تخییر است. البته ما قبلاً در مورد روایات توقف گفتیم یک وجه جمع حمل بر ارشادی بودن است. در هر صورت همان وجوه جمعی که بین اخبار توقف و تخییر است اینجا هم مسلم جریان پیدا می‌کند و لذا روایت احتیاط بحثی ندارد.

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين.

[1] □ ر.ک جلسه 12 سه‌شنبه مورخ 16 / 7 / 1398.

[2] □ «و رَوَى الْعَلَامَةُ قُدْسَتْ نَفْسُهُ مَرْفُوعاً إِلَى زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ الْبَاقِرَ ع فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ يَأْتِي عَنْكُمُ الْخَبَرَانِ أَوِ الْحَدِيثَانِ الْمُتَعَارِضَانِ فَبَيَّيْنَهُمَا أَخَذُ فَقَالَ يَا زُرَّارَةُ خُذْ بِمَا اشْتَهَرَ بَيْنَ أَصْحَابِكَ وَ دَعِ الشَّاذَّ النَّادِرَ فَقُلْتُ يَا سَيِّدِي إِنَّهُمَا مَعاً مَشْهُورَانِ مَرْوِيَّانِ مَأْثُورَانِ عَنْكُمُ فَقَالَ ع خُذْ بِقَوْلِ أَعْدَلِهِمَا عِنْدَكَ وَ أَوْثَقِهِمَا فِي نَفْسِكَ فَقُلْتُ إِنَّهُمَا مَعاً عَدْلَانِ مَرْضِيَّانِ مُوْتَقَّانِ فَقَالَ انْظُرْ إِلَى مَا وَافَقَ مِنْهُمَا مَذْهَبَ الْعَامَّةِ فَاتْرُكْهُ وَ خُذْ بِمَا خَالَفَهُمْ فَإِنَّ الْحَقَّ فِيمَا خَالَفَهُمْ فَقُلْتُ رَبِّمَا كَانَا مَعاً مُوَافِقَيْنِ لَهُمْ أَوْ مُخَالَفَيْنِ فَكَيْفَ أَصْنَعُ فَقَالَ إِذَنْ فَخُذْ بِمَا فِيهِ الْحَاطَّةُ لِدِينِكَ وَ اترك مَا خَالَفَ الْإِحْتِيَاظَ فَقُلْتُ إِنَّهُمَا مَعاً مُوَافِقَيْنِ [مُوَافِقَانِ] لِلْإِحْتِيَاظِ أَوْ مُخَالَفَيْنِ [مُخَالَفَانِ] لَهُ فَكَيْفَ أَصْنَعُ فَقَالَ ع إِذَنْ فَتَخَيَّرْ أَحَدَهُمَا فَتَأْخُذْ بِهِ وَ تَدَعُ الْآخَرَ.» عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينية، ج4، ص: 133.